

НСТИТУЦИЯ
НОЙ ЗАКОН
ЗА
ЕТСКИХ
АЛИСТИЧЕСКИХ
ПУБЛИК

ПОЛИТИЗДАТ ЦК ВКП(б) • 19

0861 - 15

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد ثنا مدح خدا — نعت پیغمبر دلیل هدا — بشنو این چند بیت تا گردی

مطلع بر قواعد قرا — نون تنوین و نون ساکن را — چهار حال است با حروف هجا

اول ادغام دومین اظهار — سومین قلب چارمین اخفا — هست در حرف یرملون ادغام

غنه در واو میم نون بایا — هست در شش حروف حلق اظهار — حرف قلب است یا خوابستنا

در حروف بقیه اخفا ساز — که شود غنه در و پیدا — لام الله را بکن تفخیم

فتح و ضم قبل از چو کرد نما — ور بود کسره پیشتر زان لام — چون قل الله بکن رقیق ادا

را چو مفتوح گشت یا مضموم — ساز تفخیم تا رهی ز خطا — را مکسور را بکن ترقیق

چونکه ساکن شود نظر بگشا — بین که ما قبل اگر بود مکسور — غیر ترقیق نیست هیچ روا

ساز تفخیم ور بود مفتوح — یا که مضموم همچو مرسیها — مگر آندم که بعد از و آید

یکی از حرفهای استعلا — همچو قرطاس فرقه مرصاد — شد بفرق دو قول از علما

یا که آن کسره عارضی باشد — مثل ارجع و ما یضاهیها — یا بود کسره در دگر کلمه

مثل رب ارجعون خذ هذا — که به تفخیم اندرین سه حال — کرده اجماع جمله فضلا

حرف مد است واو یا الف — همچو یوصی بها و او ذینا — همزه چون بعد حرف مد آید

مد بکش صاف گر بلحن خطا — اینچنین بعد حرف مد ساکن — چونکه واقع شود مد است آنجا

چون بود حرف قلقله ساکن — جنبشی ده ولی بچیزی ادا — قطب جد را حروف قلقله دان

هست قظ خص ضغط استعلا — ور بود قبل بعدها ضمیر — متحرک چو نوته منها

واو حاصل بکن ز ضمه او — ور بود کسره یا شود پیدا — ور یکی از حروف بوف آید

از پس میم ساکن ای دانا
دال در دال اینچنین در تا
تا تانیث بکن ادغام

در دو حرف مد کرد در طا
لام قل همچو لام بل مدغم
شد در حرف لام هم در را

میم را رمز وقف لازم دان
طا بالوقف مطلق است اما
جیم رمز جواز وقف آمد

زی تجویز وقف کرده ندا
بس بود وصل اندر او حج
زمز لا وقف ههنا شد لا

قف صل رمز وقف وصل بود
نزد بعضی ز هم نیند جدا
قاف مشعر بضعف وقف بود

در صلی وصل را شمار اولی
موجب وقف بی تنفس دان
وقفه سین سکوت را همه جا

رخصت آمد بوقف ضیق نفس
وقف را حرف صادنی برجا
کاف در حکم سابق است قلا

جانب وقف او بود اقوی
وجه راهی بسوی وقف بود
وقف دان حکم آیه تنها

چون شود ضم بآیه رمز دگر
حکم آن رمز میکند پیدا
لیک چون لا بآیه جمع شود

هست در اضطرار وقف روا
چون شوند اهل بصره کوفه
متفق ثبت کن بهر ده یا

یا سر عین لیک در هر خمس
ها نویس ای گزین اهل صفا
در زمانیکه مختلف باشند

یاء ها را همی کنیم املا
بهر کوفی بود بهر ده پنج
آب رخ بهر بصریان هلا

طب اشارت بآیه بصریست
لب نقیض ویست در معنی
لیک مخصوص آیه کوفی است

شده در عرف زمره فضلا
مد نشانی ز آیه مدنیست
مک ز مکی ز آی شامی شا

یازده سوره است در قرآن
که در و وصل بسمله است اولا
فاتحه قارعه قمر رحمن

کهف انعام انبیا سبا
سوره الحاقه علق فاطر
در نه دیگر است قطع سزا

بینه با قتال الهیکم
عبس تبت دو ویل دو لا
سجده در رعد نحل سبحانست

علق حج ولیک در اولی
نمل فرقان نجم و انشقت
صاد اعراف سابق طه

باز در سجدتین لیک شمار
جمله واجب بگفته فقها
بهر عبد الرؤف کردم نظم

بعنایات حضرت مولی — تا شود مستفید ازین ابیات — حق رساند بمقصد اقصی

بسم الله الرحمن الرحیم — بعد حمد مربی دو جهان — سامع حرف آشکار و نهان

وز پی نعت بیحد صلوات — بر روان رسول با یاران — گوش کن تا بیاری توفیق

مخرج حرفها کنیم بیان — در مخارج خلاف بسیارست — آنچه جمهور رفته اند بران

شانزده مخرجست گر خواهی — تا شناسی خروج حرف ازان — همزهٔ فتحه دار را آور

بر سر حرف ساکنی بخوان — چون اب اخ ال او ای — ما بقی را بدین قیاس بدان

هفت حرف سه مخرجست بخلق — اول و اوسط و نهایت آن — الف ها همزه از اقصی است

عین جا از میانه گشت عیان — غین خائیکه صاحب نقط اند — ز اول خلق میشوند بیان

نزد بعضی الف ز جوف بود — بدگر قول از هوای دهان — مخرج فم ده است شانزده حرف

قاف از منتهای کام زبان — مخرج کاف نیز چون قاف است — لیک فی الجمله است برتر زان

غلصمی قاف کاف شد عکدی — لهوی هر دو راست نام نشان — غلصمه اول لهات بود

عکده آخرش بسوی دهان — مخرج جیم و شین یا بیقین — وسط کام است با میان لسان

از کنار زبان کنج دهان — وز طواحن ادای ضاد بدان — از سوی راست یا ز جانب چپ

لیک از سوی چپ بود آسان — از کنار زبان آخر کام — حرف لام است ای فرید زمان

مخرج نون سر زبان آمد — با عدیل است بین اسنان — مخرج را چو مخرج نون است

لیک با اندکی ز پشت زبان — لام با نون را بود لثوی — لثه لحمیست در بن دندان

مخرج طا و دال تا صد است — پنج دندان پیش رأس لسان — بود از تیزی زبان دیگر

سر اسنان پیش علو مکان — صاد با زا و سین ولی باید — که بمانی تو فرجه بمیان

از کنار ثنیتین و ز فوق — وا ز زلق اندکی برون تر ازان — ذال با ظا ثا برون آید

دال ذلق تیزی زبان ایجان
چهار حرف دو مخرج است بلب
فا است از داخل لب پایان

سر دندان با و ضم باید
واو با میم باز وسط لبان
مخرج آخرین دماغ بود

میم تنوین نون از انجا خوان
چونکه ساکن بوند با اخفا
مثل ان جاءکم و یوم الکان

مجملاً ذکر نام دندانها
مینمایم بنصرت رحمن
چون ثنایا رباعیات انیاب

پس ضواحک دگر طواحن دان
چهار دیگر نواجذش نام است
لیک نبود بعضی از انسان

هر یکی نام چهار دندان است
جز طواحن که سه چهار است آن
دان ثنایا چهار پیشین را

دو زبر دو ته بقیه چنان
بعد انیاب بست دندان است
کرده اضراس نامش استادان

اینچهل بیت را شده تاریخ
در بیان مخارج ای یاران
زاهد تشنه لب همی جوید

نمی از یم رحمت غفران
ربنا اغفر لنا خطایانا
انک المستعان و المنان

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب تمت

بسم الله الرحمن الرحیم

تبارک ذو العلی و الابتدائی
تعالی جده عن ذی المکانی

خداوندا کریم و پادشاه سن
منکا تیل بیر سنکا ایتای ثنائی

من ایتای ایمدی احمد مصطفی دین
الهی بیر منکا شمع صفائی

ایرور سن هر دو عالم بنده پرور
که نومید ایتمه من عاصی کدائی

محمد صدر بدر هر دو عالم
شفیع امتانی عاصیانی

محمد تاج جمله انبیا دور
نیه اول رهنمائی انس جانی

ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انی اسئلک باسمک الاعز الاکرم الاجل رب رب رب یا رب
یا رب یا رب لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر لا اله الا الله

یعنی فرستاده شدهٔ خدا بسوی خلق از برای رسانیدن احکام
شریعت اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله
گواهی میدهم من اینکه نیست خدای مگر یک خدا و گواهی میدهم
اینکه محمد بندهٔ خدا و فرستاده شدهٔ خداست آمنت بالله وملائکته
وکتبه ورسوله والیوم الآخر والقدر خیره وشره من الله تعالی والبعث
بعد الموت یعنی ایمان آوردم من بخدای عز وجل و باهمهٔ فرشتگان
وی و باهمهٔ کتابهای وی و باهمهٔ رسولان وی و بروز قیامت و بآنچه
تقدیر نیکی و بدی همه از خداست عز وجل زنده گردانیدن بعد از
میرانیدن حق است و راست است یفعل الله ما یشاء ویحکم ما یرید و
ومختصره ان یقول ما امرنی الله تعالی به قبلته وما نهانی عنه انتهیت
عنه یعنی مختصر ایمان اینکه گوید بنده آنچیزیرا که امر کرده است مرا الله
تعالی بهمون چیز قبول کردم من همون چیز را و آنچیزیرا که نهی کرده است
مرا الله تعالی از همون چیز باز ایستادم از همون چیز فاذا
اعتقد ذلک بقلبه واقر بلسانه کان ایمانا صحیحا وکان
مؤمنا بالکل فصول عمادی من نفسه

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد وهو علی کل شیء قدیر سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم فی الکفایة

٣

الثعلبی فی الاخبار من سمع الاذان ولم یقل مثل ما قال المؤذن فانه یثقل علی لسانه کلمة الشهادة عند النزع فلم یقل مثل ما قال المؤذن فی الاقامة فانه یمنع من السجود یوم القیامة اذا سجد المؤمنون الله تعالی شرح اوراد وعن عمر الخطاب رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم اذا قال المؤذن الله اکبر الله اکبر فقال احدکم الله اکبر الله اکبر ثم قال اشهد ان لا اله الا الله قال اشهد ان لا اله الا الله ثم قال اشهد ان محمدا رسول الله

اشهد ان محمدا رسول الله ثم قال حی علی الصلوة قال لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ثم قال حی
علی الفلاح قال ما شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن ثم قال الله اکبر الله اکبر قال الله اکبر الله اکبر ثم قال لا اله

پس هر چگاهیکه اعتقاد کند بنده همین امر نهی را بدلش و اقرار کند
بزبانش باشد ایمان بنده صحیح و باشد مومن بکل چهار نوع
استنجا فرض است اول استنجای جنب دوم استنجای زنی که از حیض
پاک شود سوم استنجای زنیکه از نفاس پاک شود چهارم نجاستی
زیاده باشد از قدر درهم شرعی شستن وی هم فرض است در
طهارت چهار چیز فرض است اول شستن روی از دمیدن
موی پیشانی تا زیر منه ازین نرمه گوش تا باین نرمه گوش دوم
شستن دو دست مع آرنج سوم مسح کشیدن چهار یک سر چهارم
شستن دو پای مع بجل و در غسل سه چیز فرض است اول
شستن دهن دوم شستن بینی سوم شستن تمام بدن
اسباب فرضیت غسل پنج است سبب اول ملاقات کردن دو ختنه
سبب دوم بر آمدن منی بدفق شهوت سبب سوم احتلام سبب
چهارم پاک شدن از حیض سبب پنجم پاک شدن از نفاس
و در تیمم چهار چیز فرض است اول نیت دوم
قصد خاک پاک کردن سوم یک ضرب زدن

قال لا اله الا الله من قلبه دخل الجنة رواه مسلم
وعن جابر رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من قال حین یسمع النداء اللهم رب

٤

هذه الدعوة التامة والصلوة القائمة آت محمدن الوسیلة والفضیلة والدرجة الرفیعة وابعثه مقاما محمودن الذی وعدته وارزقنا شفاعته یوم القیامة انک لا تخلف المیعاد حلت له شفاعتی یوم القیامة رواه البخاری مشکوة شریف

فصل الاذان ۱۲ منه

اصول دین هشت است اول توحید یعنی خدای تعالی را یکی دانستن و یکی اعتقاد کردن دوم عدل یعنی بخود راست بودن سوم اهانت یعنی کار آخرت را از کار دنیا مقدم داشتن

داشتن چهارم نبوت یعنی تمامی پیغمبران ما تقدم برحق دانستن پنجم امر معروف یعنی آنچه خدا تعالی
امر کرده است بجای آوردن ششم نهی منکر یعنی آنچه خدا تعالی نهی کرده است خود را باز داشتن هم تولاست

از برای مسح روی چهارم یکضرب دن از برای مسح دو دست
مع آرنج و در تیمم جنب نیت طهارت کفایت میکند
در نصاب علیه الفتوی و در هدایه هو الصحیح و در نماز
دوازده فرض متفق علیه است اول آب پاک دوم جای پاک
سوم جامهٔ پاک چهارم وقت پنجم نیت ششم قبله هفتم
تکبیر تحریمه هشتم قیام نهم قرارت دهم رکوع یازدهم سجود
دوازدهم قعدهٔ اخیر مقدار التحیات خواندن تا عبده و رسوله
بستر عورت نیز از فرض متفق علیه است فرض خلافیه پنجست
اول ترتیب دوم پیوند آمدن نماز گذار بفعل خود شش سوم
آرام کرفتن در رکوع و در سجود چهارم قومه پنجم جلسه نزد امام ابو یوسف
و امام شافعی رحمهما الله و شرائط فرض شدن زکوة هفت است اول حریت
دوم بلاغت سوم عقل چهارم اسلام پنجم نصاب ششم
گذشتن سال هفتم غیر از قرض صاحب نصاب بودن نه زکوة
در وقت دادن یاد در وقت جدا کردن فریضه است و ادا کردن زکوة
بمصرف نیز فرضست و مصارف زکوة نیز هفت است اول فقیر دوم

ای برادر از مسائل چهل فریضه یاد دار :: تا بهشت عدن یابی اندران روزشمار
ت ایمان پنج اسلام دوش اندر نماز :: نه بغسل و در وضو و در تیمم چار چار

روی دیگر امر معروف است نهی منکر است ؛ بعد از آن حیض نفاس علم ایصد رکبار خلفاء
راشدین یازده است اول حضرت ابوبکر صدیق رض دوم حضرت عمر رض سوم حضرت عثمان رض

مسکین سوم عامل زکوة چهارم مکاتب پنجم مدیون ششم منقطع
الغزاه هفتم ابن سبیل و در روزه سه چیز فرض است
اول نیت دوم ناخوردن و ناآشامیدن سوم ترک جماع کردن
از صبح صادق تا فرو رفتن آفتاب علم فرض عین است اگر
معلوم فرض عین باشد کسب نیز فرض است نزد حاجت و ضرورت
فرض است بر عالم یاد دادن بر طالب فرض عینش را تا بوقتی که
فهمد طالب و حفظ کند طالب و ضبط کند طالب و در
طعام خوردن چهار چیز فرض است اول حلال خوردن زیرا که
پاکی خلق از اعظم فرایض است دوم رزق را از واجب تعالی
دانستن سوم بقسمت الله تعالی راضی بودن چهارم معصیت نکند
مادامیکه قوت طعام در وی است صحابه و تابعین رضوان الله تعالی
علیهم اجمعین باجماع و اتفاق اعتقادات حق را از کتاب
و از سنت اخذ کردند عمل کردن بفروض اعیان بر همه
مسلمانان فرض عین است الله تعالی مومنان را مستحکم و موفق
کناد آمین این فرض عین فارسی تمام شد آمین

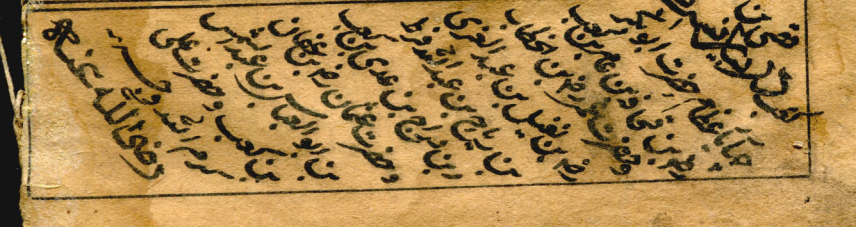

چهارم حضرت علی رض پنجم عبدالله بن جابر رض ششم عبدالله بن عباس رض هفتم عبدالله بن مسعود رض هشتم زید ابن ثابت رض نهم حضرت عائشه صدیقه رض دهم ابو موسی اشعری رض

یازدهم معاذ بن جبل رض تعالی عنه
در بیان نسب نامه
آنحضرت صلی الله علیه وسلم
بهمین طریقه که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم
ابن عبدالله بن عبدالمطلب بن
هاشم بن عبدالمناف بن
قصی بن کلاب بن مره بن
کعب در بیان نسب نامه
چهار یا عظام حضرت ابوبکر
رض بن قحافه بن عامر بن کعب
و حضرت عمر رض بن الخطاب
رض بن نفیل بن عبدالعزی
بن رباح بن عبدالله بن قرط
بن رزاح بن عدی بن کعب
و حضرت عثمان رض بن عفان
بن ابوالعباس بن عبدالشمس
بن کعب و حضرت علی
کرم الله وجهه
رضی الله عنه

بن ابی طالب بن عبد مطلب بن هاشم بن عبد المناف الخ **نیتهای فارسی**

نیت کردم بگذارم دو رکعت سنت نماز بامداد وقتیکه بر منست روی آوردم

فرض عین ترکی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین یعنی حمد ثابت بولسون خدایتعالی صفتی بودر که
همه عالمنی درجه بدرجه ترتیب قیلیب کمال غه تیکوز کوچیدور والعاقبة
للمتقین یعنی نیکوی آخرت پرهیزکارلاغه دور والصلوة والسلام علی رسوله
محمد وآله واصحابه اجمعین یعنی دعا و رحمت نازل بولسون رسول خدا غه کیم نام
شریف لاری محمد علیه السلام دور و تقی جمیع آل و اصحاب لاریغه
رحمت نازل بولسون لا اله الا الله محمد رسول الله یعنی الله تعالی دین
اوزکا هیچ معبود یوقتور محمد علیه السلام اننیک رسولیدور
لا اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله یعنی
گواهلیک بیرامن که بر خدا دین اوزکا هیچ معبود یوقدور و گواهلیک
برامن که محمد علیه السلام بنده خدا و رسول خدا دور لا آمنت بالله
وملائکته وکتبه ورسله والیوم الآخر والقدر خیره وشره من الله تعالی

بقبله قبله من بجهت کعبه خالصا لله تعالی الله اکبر نیت فرض نماز بامداد نیت کردم بگذارم دو رکعت فرض نماز بامداد وقتیکه بر منست روی آوردم بقبله قبله من بجهت کعبه اقتدا کردم بامام حاضر

٧

حاضر ایستاده خالصا لله تعالی الله اکبر نیت سنت نماز پیشین نیت کردم بگذارم چهار رکعت سنت نماز پیشین وقتیکه بر منست روی آوردم بقبله قبله من بجهت کعبه خالصا لله تعالی الله اکبر نیت فرض نماز پیشین نیت کردم بگذارم چهار رکعت فرض نماز پیشین وقتیکه بر منست روی آوردم بقبله قبله من بجهت کعبه اقتدا کردم بامام حاضر ایستاده خالصا لله تعالی الله اکبر نیت کردم بگذارم دو رکعت سنت

نماز پیشین وقتیکه بر منست روی آوردم بقبله قبله من بجهت کعبه خالصاً لله تعالی الله اکبر
نیت کردم بگذارم چهار رکعت فرض نماز دیگر وقتیکه بر منست روی آوردم بقبله قبله من

والبعث بعد الموت یعنی ایمان کیلتور دوم الله تعالی غه و انینک
فرشته لاریغه و کتاب لاریغه و پیغمبر لاریغه و قیامت کونیغه و قیلغان
تقدیریغه کیم انی خیر لیغی و شر لیغی یعنی بخشی و یمانلغی خدادین ایرور و انی
اولکاندین سونک تیر کوزماقی حق و راست دور یفعل الله ما یشاء و یحکم
ما یرید یعنی قیلور الله تعالی هر نیمه که خواهلسه و حکم ایتار هر نیمه که اراده
ایتسه و مختصره ان یقول ما امرنی الله تعالی به قبلته و ما نهانی عنه انتهیت
عنه یعنی ایمانی مختصری بودور که بنده ایتسه منکا خدایتعالی هر نیمه نی
امر قیلیبدور من انی قبول قیلدیم و هر نیمه دین خدایتعالی نهی قیلیبدور
من اندین اوزومنی ساقلادیم دیسه فاذا اعتقد ذلک بقلبه و اقر بلسانه
کان ایمانه صحیحاً و کان مؤمناً بالکل پس هر وقتا که بنده
اوشبونی دلیده استوار و تیلیده اقرار قیلسه انی ایمانی صحیح و مؤمن همه
مأمورات و منهیات دور فصول عمادی من نفسه فصول عماد کتابندن منقول
دور تورت نوع استنجا فرضدور اول جنب استنجاسی ایکنجی
حیض دین پاک بولغان خاتون استنجاسی اوچونجی نفاس دین
پاک بولغان خاتون استنجاسی تورتونجی نجاستی که مقعد یده

بجهت کعبه اقتدا کردم بامام حاضر ایستاده خالصاً لله تعالی الله اکبر نیت کردم بگذارم سه رکعت فرض نماز شام وقتیکه بر منست روی آوردم بقبله قبله من بجهت کعبه اقتدا کردم

بامام حاضر ایستاده خالصاً لله تعالی الله اکبر نیت کردم بگذارم دو رکعت سنت نماز شام وقتیکه بر منست روی آوردم بقبله قبله من بجهت کعبه خالصاً لله تعالی الله اکبر نیت کردم بگذارم چهار رکعت فرض نماز خفتن وقتیکه بر منست روی آوردم بقبله قبله من بجهت کعبه اقتدا کردم بامام حاضر ایستاده خالصاً لله تعالی الله اکبر نیت کردم بگذارم دو رکعت سنت نماز خفتن وقتیکه

برمنت روی آوردم بقبلہ قبلہ من بجہت کعبہ خالصاً للہ تعالی اللہ اکبر نیت

کردم بگذارم سہ رکعت نماز وتر واجب وقتیکہ برمنت روی آوردم بقبلہ قبلہ من بجہت

درہم شرعی مقدار یدین زیادہ بولسہ ٹہمار تندہ تورت

فرض تر ور اوّل یوزیومق پیشانہ دین موی او نکان موضع دین

قولاغینی آستی غچہ واندین اینکاک آستیغچہ ایکینچی قول یومق

ایکی تیرسا کیغچہ او چونچی باشنی تورت دین برلہ مسح تارتمق تور بونچی

ایکی ایاغینی توپوغیچہ یومق غسل دہ اوچ فرضتر ور اوّل آغیزنی

یومق ایکینچی بورونتی یومق اوچونچی تمام بدنکا سو تیکورمق دہ غسلی فرض

ایتکوچی سبب لار بیش دور اوّل ایکی ختنہ نی ملاقات یعنی ایر کیشینی

اندام نہانی سی خاتون کیشینی اندام نہانی سینہ اوچی غائب بولیہ ایکینچی

آب منی ایر تاکدین وخاتوندین لذت برلہ جدا بولسہ اوچونچر اختلام نور بچی

خاتون کیشینی حیضی منقطع بولسہ بشینچر خاتون کیشینی توقغاندین سونگ

قانی توختاسہ بویش نرسہ بر لا غسل ایتماک فرض تر در تیمم دہ ہم

تورت فرضدور اوّل نیت قیلماق ایکینچی پاک تفراقنی قصد ایتماک اوچونچی

یوزکا مسح ایتمق اوچون برضرب او رمق تور تونچی ایکی قول مسحی اوچون

برضرب او رمق تیمم دہ جنب کیشی طہارتنی نہتین قیلسہ کفایہ قیلور

منصاب دہ او شبو کا علیہ الفتوی وہدایہ کتابندہ

خاصہ ایلیستادہ خالصاً للہ تعالی اللہ اکبر کویسہ سبحانک

اللہم وبحمدک تبارک اسمک وتعالی جدک ولا الہ غیرک بعدہ بارہ

رسانند بعد ازان امام قرائت کیزوب تکبیر رکوع کویدوب رکوعہ

رود ودر رکعت دوم اوّل قرائت کند بعد سہ بار دست

بر داشتہ بطریق اوّل تکبیر کویدوب رکوعہ رود ودر رکعت چہارم

نماز عید قربان با جماعت بگذارم دو رکعت

دو رکعت بعد

بقبله قبله من بجهت کعبه اقتدا کردم بامام حاضر ایستاده خالصاً لله تعالی الله اکبر

نیت نماز جمعه نویت ان اسقط فرض هذا الوقت باداء رکعتی الصلوة الجمعة اقتدیت

هو الصحیح ایرور نماز ده اون ایکی فرض متفق علیه بار دور اول
پاک سو ایکینچی پاک جای اوچونچی پاک جامه تورتونچی وقت بیشینچی
نیت آلتینچی قبله یتینچی تکبیر تحریمه سکزنچی قیام توقوزنچی قرأت قیلماق
بر آیت دراز یا یک اوچ آیت کوتاه اونونچی رکوع اون برنچی سجود
اون ایکینچی قعده اخیر مقدار التحیات اوقوماق تا عبده و رسوله ستر عورت
هم فرض متفق علیه دور فرض خلافیه بیش دور اول ترتیب ایکینچی نماز
گذار اوزفعلیچه چیقماق اوچونچی نماز گذار رکوع و سجود ده بر تسبیح
ایتماق مقداریچه آرام آلماق تورتونچی قومه بیشینچی جلسه امام ابو یوسف
و امام شافعی نزد لاریده زکوة فرض بولماق شرط
لاری یتی دور اول حر یعنی آزاد بولماق ایکینچی بلاغت
اوچونچی عقل تورتونچی اسلام بیشینچی نصاب آلتینچی بر یل
اوتماقی یتینچی قرضدن باشقه نصاب زکوة کا صاحب بولماقی
زکوة برماقده یا جدا قیلماقده نیت قیلماق فرضدور زکوة نی مصرفیغه
برماق فرضدور مصرف زکوة هم یتی طائفه کیشیدور اول
فقیر ایکینچی مسکین اوچونچی عامل زکوة تورتینچی مکاتب بیشینچی مدیون

بهذا الامام متوجهاً الی جهة الکعبة خالصاً لله تعالی الله اکبر سبحانک اللهم الخ سنت نیت نماز بامداد عربی نویت ان اصلی اثنتی رکعتی سنة الفجر متوجهاً الی جهة الکعبة اقتدیت بهذا الامام خالصاً

لله تعالی الله اکبر نیت فرض نماز بامداد نویت ان اصلی اثنتی رکعتی فرض صلوة الفجر متوجهاً الی جهة الکعبة اقتدیت بهذا الامام خالصاً لله تعالی الله اکبر سنت نماز پیشین نویت ان اصلی اربع رکعات سنة صلوة الظهر هذا الوقت متوجهاً الی جهة الکعبة خالصاً لله تعالی الله اکبر فرض نماز پیشین نویت ان اصلی اربع رکعات فرض ظهر هذا الوقت متوجهاً الی جهة الکعبة اقتدیت بهذا الامام خالصاً لله تعالی الله اکبر

نیت سنت نماز پیشین نویت ان اصلی اثنتی رکعتی سنة صلوة الظهر هذا الوقت متوجها
الی جهة الکعبة خالصا لله تعالی الله اکبر نیت نماز دیگر نویت ان اصلی صلوة العصر اقتدیت

یعنی فرضدار آلتینچی منقطع الغزاة تینچی ابن سبیل روزه ده اوچ
فرضدر اول نیت ایکینچی یماس لیق و ایچماسلیق اوچونچی جماع قیلماس
لیق صبح صادقدین آفتاب باتقونچه علم فرض عین دور اگر معلوم فرض
بولسه و اعلم ان تعلم العلم فرض عین وهو ای التعلم بقدر ما یحتاج لدینه
ای یحتاجه وما موصولة والدین یعم الصلوة والصوم والزکوة ان
کان له مال والحج ان وجب والبیوع ان کان یتجر وکل اشتغل بشیء
یفترض علیه علم التحرز عن الحرام طحاوی من نفسه فی اوله یعنی تحقیق
بیلغیل کیم علم اورکانماک فرض عین ترور دین اوچون محتاج
بولغان مقداریچه و دین شامل بولور و نماز کا و روزه کا و زکوة کا
اگر مالی بولسه و حج کا اگر انکا حج واجب بولغان بولسه و بیع لارکا
اگر تجارت قیلور بولسه و هر کیشی برایش مشغول بولسه
فرض بولور اول کیشیکا اول ایشده حرامدن احتراز قیلماقنی
بیلماق و کسب ایتماق هم فرضدور حاجتمند بولغان وقتده
بقدر حاجت و عالم غه یاد برماق فرض دور فرض نی طالب کیشیلارغه تا فهم
و حفظ و ضبط ایتکونچه طعام یماکده تورت فرض بار اول حلال

بهذا الامام متوجها الی جهة الکعبة خالصا لله تعالی الله اکبر
نیت فرض نماز شام نویت ان اصلی ثلاث رکعات فرض صلوة المغرب متوجها الی جهة الکعبة اقتدیت بهذا الامام خالصا

11

لله تعالی الله اکبر نیت سنت نماز شام نویت ان اصلی اثنتی رکعتی سنة صلوة المغرب متوجها الی جهة الکعبة خالصا لله تعالی الله اکبر نیت فرض نماز خفتن نویت ان اصلی اربع رکعات فرض صلوة العشا متوجها الی جهة الکعبة اقتدیت بهذا الامام خالصا لله تعالی الله اکبر نیت سنت نماز خفتن نویت ان اصلی اثنتی رکعتی سنة صلوة العشا متوجها الی جهة الکعبة الخ نیت فرض نماز پیشین آخر جمعه این است نویت ان اصلی

ان اصلی اربع رکعات آخر ظهر الذی علی ادرکت وقته ولم اصل اصلی بعد متوجها الی جهة الکعبة
خالصا لله تعالی الله اکبر نیت نماز عید رمضان نویت ان اصلی اثنتی رکعتی

حلال ہمکنی یراکہ خلق نی پاک لیغی اولوغ فرضدور ایکینچی رزقنی
خدا تعالی دین بیلماق اوچونچی الله تعالی نی قسمتیکا راضی بولماقدور
تورتونچی مادامیکہ طعام قوتی موندہ دور معصیت قیلماغای صحابہ
وتابعین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین اجماع واتفاق برلہ کتاب
حق دین وحدیث دین اخذ ایلاب عمل قیلغان ایرورلار فرض عین
لارکہ عمل قیلماق فرض دور مستحکم وموفق قیلغای آمین

در نماز بست یکو واجب است

هفت او عام است وچهارده او خاص است آن هفتی که عام است
اول لفظ الله اکبر گفتن است در تکبیر تحریمه دوم قعدهٔ اولی سوم التحیات
خواندن در قعدهٔ اول ودر ثانی چهارم آرام گرفتن در رکوع ودر سجود
مقدار یک تسبیح پنجم آوردن هر فرض را در جایش ششم آوردن هر
واجب را اینچنین هفتم خارج شدن مصلی از نماز بلفظ سلام آن چهار
ده که خاص است اول تعیین اولیین از برای قراءت دوم تعیین
فاتحه در دو رکعت اول از فرض سوم فاتحه یکبار خواندن

صلوة عید الفطر مع تکبیرات وجبت فی هذا الوقت متوجها الی جهة الکعبة اقتدیت بهذا الامام خالصا لله تعالی الله اکبر نیت نماز عید قربان نویت ان اصلی اثنتی رکعتی صلوة

عید الاضحی مع تکبیراتها التی وجبت فی هذا الوقت متوجها الی جهة الکعبة اقتدیت بهذا الامام خالصا لله تعالی الله اکبر نماز یکه امام برله اوقوسه اوشبو نیت کفایه قیلور نویت ان اصلی مع الامام ما یصلیه الامام خالصا لله تعالی الله اکبر

اوشبو دعانی بیتاب کیشیغه یتی مراتبه اوقوب دم قیلسه البته شفا تابغای اللهم قدیم ازلی یزیل العلل وهو قائم ازلی لم یزل ولا یزل وهو ذو الجلال والاکرام ارشاد الطالبین

نیت مطلق شنیدها این است اللهم انی ارید الصلوٰة متابعا لرسولک صلی الله
علیه وسلم فیسرها لی وتقبلها منی متوجها الی جهة الکعبة خالصا لله تعالی الله اکبر دعای بعد از هر نماز

چهارم ضم سوره بر فاتحه مقدار سه آیت کوتاه و یا یک آیت دراز پنجم
تقدیم فاتحه بر سوره همین پنج واجب مذکور واجب است بر شخصیکه واجب
باشد بر همین شخص قرأت ششم قنوت خواندن در نماز وتر هفتم در رکعت
بلند خواندن هشتم در پستی پست خواندن نهم سکوت کردن مقتدی
در وقت قرأت کردن امام دهم متابعت کردن مقتدی مر امامش را بهر
حالیکه دریابد اگرچند یکه محسوب از نماز نباشد یازدهم سجدهٔ تلاوت
بر امام و بر منفرد دوازدهم تکبیرات عیدین سیزدهم تکبیرات رکوع
در رکعتی چهاردهم سجدهٔ سهو بر امام و بر منفرد واجب شود ترک واجب
از واجبات در هشت اوّل از قسم آخر و یازده در جمیع صور از قسم
اوّل بدان بدرستیکه طمانینه واجب مر غیر است مفسدات
نماز نجمت اوّل تکلم کردن بکلام آدمیان مطلقا برابر است
کثیر باشد و یا قلیل باشد اگرچند یکه دو حرف ظاهر شود قصداً باشد
و یا سهواً باشد دوّم ضحک یعنی خنده کردن بآواز
اندک سوّم عمل کثیر یعنی فعلی که محتاج
باشد بدو دست چهارم ترک کردن از فرایض بعذر

۱۳

اللهم تقبل منا وصلوتنا وصیامنا وقیامنا
وتلاوتنا وسجودنا وخشوعنا وخضوعنا
وتسبیحنا وتهلیلنا وتحمیدنا وتمجیدنا
وتضرعنا والحاحنا وتقصیرنا وتقبل تمامها
وانعم علینا وارحم مولانا یا مولانا اللهم احفظنا یا حافظ
من جمیع البلایا یا واقی الاسوء
اللهم تقبل منا یا واقی الفضوه
المفروضة مع السنة
ومع جمیع نقصاناتها
بفضلک وکرمک
ولا تقربهما وجهنا
یا آله العالمین ویا
خیر الناصرین توفنا
مسلما والحقنا بالصالحین

وصلی الله علی خیر خلقه
محمد وآله واصحابه
اجمعین والحمد لله
رب العالمین

لمرتقی استخاره از شیخ المشایخ شیخ عبد القادر جیلانی رضی الله تعالی عنه

مرویست که چون کسی در کار خود خیران باشد و تدبیر آن ندانند باید که صبر کند تا شب در آید

وضو کند سوره قل یا ایها الکافرون و آیة الکرسی و آیة شهد الله و سوره الفتح و سوره الم نشرح و سوره والتین هر یک را هفت بار بخواند و بخواب رود شخص مطلوبه را

پنجم بخود حدث رسانیدن یعنی طهارت خود را بفعل خود شکستن

محرمات نماز چهارده است

اول بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن حرام دوم آمین را بلند گفتن حرام سوم نگاه کردن بجانب راست و چپ بگردانیدن بعضی روی حرام چهارم نگاه کردن بسوی آسمان حرام پنجم تکیه کردن بستون و مانند ستون بیعذر حرام ششم برداشتن دو دست از غیر موضعهای مشروع شده حرام هفتم برداشتن انگشتان پای از زمین در رکوع و در سجود حرام هشتم نشستن بر بالای دو پاشنه حرام نهم بازی کردن ببدن و بجامه کم از سه بار حرام دهم اشارت کردن بانگشتان در وقت اشهد ان لا الٰه الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله دوازدهم گفتن حرام یازدهم قصر کردن سلام بیک جانب حرام دوازدهم قنوت خواندن در غیر وتر سیزدهم زیاده کردن در تکبیرات و در تسبیحات و در تشهد و بر سنت حرام چهاردهم ترک کردن یکی از واجبات حرام

بخواند و در رکعت دوم نیز همچنین بخواند ثواب او را بروح پر فتوح آن
بزرگوار بخشد بعد ازان در راه بسخن مالایعنی مشغول نشود بعد ازان رو

از جمله ضروریات دین ست اول وحدت در خالقیت یعنی الله تعالی
خالق جمیع اشیاست غیر از وی خالق دیگر نیست دوم وحدت در معبودیت
یعنی الله تعالی لایق عبادت و سزاوار پرستش ست غیر از وی معبود
دیگر نیست سوم وحدت در وجوب الوجود یعنی الله تعالی واجب الوجود
بذاتست یعنی هستی خودش از ذاتش نه از غیر این صفت در غیر الله
تعالی سبحانه نیست اگر پرسند که خدایتعالی را بچند صفت
میشناسی **جواب بگو که** بده صفت میشناسم هشت
او ثبوتیست و دوی او سلبی ست آن هشتیکه ثبوتیست اول علم
یعنی الله تعالی داناست بهمه اشیا دوم قدرت یعنی الله تعالی
سبحانه تواناست آنچیزیکه خواهد فعلا و ترکا سوم حیات یعنی
الله زنده ست ازلا و ابدا نه بجان چهارم سمع یعنی الله تعالی
شنواست نه بگوش پنجم بصر یعنی الله تعالی بیناست نه بچشم
ششم کلام یعنی الله تعالی گویاست نه بزبان بکلام نفسی نه بکلام
لفظی هفتم اراده یعنی الله تعالی سبحانه صاحب اراده و اختیار
و اختیارست هر چه خواست شد و هر چه

بروی اهل قبر
پشت بقبله ایستاده
بگوید السلام علیکم
یا اهل القبور یغفر الله
لنا ولکم لنا خلف وانتم
لنا سلف ونحن له بالاثر
وانا ان شاء الله بکم اللاحقون
بعد ازان آیة الکرسی را تا هم
فیها خالدون بخواند
بعده لله ما فی السموات
وما فی الارض تا فانصرنا
علی القوم الکفرین
بخواند

بعده یکبار اذا زلزلت و یکبار سورهٔ تکاثر بخواند و ده بار سورهٔ اخلاص
و ده بار صلوة بروح پاک آنحضرت صلی الله علیه وسلم بفرستد اگر تواند سورهٔ

یس و سورهٔ تبارک نیز بخواند ثواب آنرا بروح اهل قبر

نخواست نشد هشتم تکوین یعنی الله تعالی سبحانه نابود را پیدا
کننده ست و آن دو صفت که سلبی ست اولا آنکه الله تعالی یکه
و یگانه ست بی شریک و بی مثل و بی مانند ست دوم آنکه الله تعالی
پاک ست از جمیع عیبها و نقصانها شش کلمهٔ دینی
اول کلمهٔ طیبه گفتن ست که لا اله الا الله محمد رسول الله دوم
کلمهٔ شهادت گفتن ست که اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
محمدا عبده و رسوله سوم کلمهٔ توحید گفتن ست که لا اله الا
الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو
حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر چهارم کلمهٔ تمجید گفتن
ست که سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول
و لا قوة الا بالله العلی العظیم ما شاء الله کان و ما لم یشاء لم
یکن پنجم کلمهٔ استغفار استغفر الله استغفر الله استغفر الله
من کل ذنب اذنبته عمدا او خطأ سرا او علانیة صغیرا او کبیرا و اتوب
الیه من الذنب الذی اعلم و من الذنب الذی لا اعلم انک انت علام
الغیوب ششم کلمهٔ رد کفر اللهم انی اعوذ بک من ان

بخشنده مدد و اعانت از ارواح ایشان طلب کند والله اعلم بالصواب

اشرک بک شیئاً وانا اعلم واستغفرک بما لا اعلم انک انت
علام الغیوب وستار العیوب وغفار الذنوب لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم ما شاء الله کان وما لم یشأ لم یکن بنای مسلمانی
بر پنج نوعست اول کلمهٔ شهادت گفتن است که اشهد ان لا اله الا الله
اشهد ان محمداً عبده ورسوله دوم پنجوقت نماز گذاریدن است
سوم روزهٔ ماه شریف رمضان داشتن است چهارم زکوة مال
دادن است پنجم طواف خانهٔ کعبه کردن است هر که را قدرت وتوانائی
باشد مرزاد وراحله نیت نماز جنازه چنین نیت کند که
نیت کردم بگذارم چهار تکبیر صلوة جنازه را ثنا مر خدایرا درود
مر محمد مصطفی را ثوابش را بخشیدم مر این میت حاضر آمده روی
آوردم بقبله قبلهٔ من جهت کعبه اقتدا کردم باین امام حاضر
ایستاده خالصاً لله تعالی الله اکبر سبحانک اللهم وبحمدک
وتبارک اسمک وتعالی جدک ولا اله غیرک الله اکبر گوید صلوة
بخواند اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد کما صلیت
علی ابراهیم وعلی آل ابراهیم انک حمید مجید اللهم بارک علی

دعای قنوت

اللهم انا نستعینک ونستغفرک ونؤمن

17

بک ونتوکل علیک ونثنی علیک الخیر نشکرک ولا نکفرک ونخلع ونترک من یفجرک اللهم ایاک نعبد ولک نصلی ونسجد والیک نسعی ونحفد ونرجو رحمتک ونخشی عذابک ان عذابک بالکفار

ملحق

محمد و علی آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و علی آل ابراهیم
انک حمید مجید تکبیر سوم گوید این دعا را بخواند اللهم اغفر لحینا
و میتنا و شاهدنا و غائبنا و صغیرنا و کبیرنا و ذکرنا و انثانا اللهم
من احییته منا فاحیه علی الاسلام و من توفیته منا فتوفه علی الایمان
برحمتک یا ارحم الراحمین اگر پسر کنار سیده باشد اللهم اجعله لنا فرطا
و اجعله لنا اجرا و ذخرا و اجعله لنا شافعا و مشفعا برحمتک یا ارحم
الراحمین اگر دختر کنار سیده باشد اللهم اجعلها لنا فرطا و اجعلها
لنا اجرا و ذخرا و اجعلها لنا شافعة و مشفعة برحمتک یا ارحم الراحمین
التحیات لله و الصلوات و الطیبات السلام علیک ایها النبی
و رحمة الله و برکاته السلام علینا و علی عباد الله الصالحین اشهد
ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل الی آخره
اللهم بارک الی آخره اللهم اغفر لی و الوالدی و الاستادی و لجمیع
المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات
برحمتک یا ارحم الراحمین
هر که خواند دعا طمع دارم ز انکه من بنده کنه کارم سنه ۱۳۲۶

Кол жазмалар фонду
Инв. № 183